نيايش, رمز موفقيت

سيد محمدرضا حسينى

انـسـان داراى اميال, كشش ها و احساس هاى فطرى گوناگونى است كه تـمامى رفتارهاى فردى و اجتماعى او را در دو بعد مادى و معنوى, پـوشـش مـى دهـد. يكى از آن ها ميل خداجويى, كمال يابى و احساس ديـن گـرايى است. آدمى مى كوشد تا با همه ابزار و وسايل مشروع, ايـن ميل و احساس خود را اقناع كند و چشم ها و چشمه هايى را به سوى معشوق بگشايد. دعا بهترين راه و وسيله اى است كه آن مهم را سـامـان مـى بـخشد; يعنى انسان را با كمال مطلق, پيوند مى زند.

دعـا, همان خواندن جمله هاى ماثور از پيامبر و امامان در اوقات مـعـين براى طلب آمرزش و برآورده شدن حاجات را گويند. تضرع, دل شكستن, اشك و اعتصام به پيشگاه معشوق, زمينه هاى دعاى حقيقى را شـكل مى دهند و انسان با تمامى وجود او را مى خواند. اين حالت, خـود غـايـت عـشـق است كه عاشق, راز دل را بى پرده با معشوق در مـيـان مـى گـذارد و در نهايت, پيش از آن كه به خواسته هاى خود بـيـنـديـشد به نفس همان راز و گفت وگو, سرمست است. از همين رو اسـت كـه عـارفـان, هـمـين حالت گفت وگو را عين استجابت دعا مى دانـنـد; يعنى به محض هم كلامى با خدا به خواسته خود رسيده اند.

بـه عـبـارت گـوياتر مسلمانان راز و نياز را براى خود ضرورى مى دانـنـد, زيـرا دعـا را حـلـقـه وصل با معبود مى پندارند. امام خـمينى(ره) در اين خصوص مى گويد: (آن كه مى گويد ما دعا را نمى خـواهـيـم, قـرآن را هـم نـمى خواهد; يعنى قرآن را قبول ندارد: ادعونى استجب لكم, مردم! بياييد مرا بخوانيد, دعا كنيد.)1

پـس دعـا يـكـى از كـشـش هاى فطرى هر انسانى است. به قول استاد مـطـهرى: (هر كسى از دل خود با خدا راه دارد, درى از همه دل ها بـه سوى خدا هست, حتى شقى ترين افراد در موارد گرفتارى و ابتلا, در وقـتـى كه اسباب و علل به كلى از او منقطع مى شود, تكانى مى خـورد و بـه خدا التجا مى برد. اين يك ميل فطرى و طبيعى است در وجـود انـسـان, پـرده گناه و شقاوت گاهى روى آن را مى گيرد, در سـخـتـى هـا كه پرده زايل مى شود, خود به خود اين ميل تحريك مى شود و به هيجان درمى آيد).2

اهميت دعا

در بـيـان اهـميت دعا همين بس كه بيش از سى آيه در قرآن به بحث دربـاره دعـا اخـتـصـاص دارد. نـشانه ديگر بر اهميت دعا اين كه انـبـيـا(ع) از حـضـرت آدم تا حضرت خاتم الانبيا(ص) به دعا توجه خـاصـى داشته اند و هر كدام از آنان براى تقرب به خداوند تبارك و تـعـالـى دعا را به امت خود توصيه مى فرمودند و خود نيز براى رسـيـدن بـه اهداف مقدسشان دست به دعا برمى داشتند و در پيشگاه خـدا نـيـايـش و تـضرع مى كردند و دعا را بهترين وسيله تقرب به ايـزد مـنـان مـى دانستند. امام خمينى(ره) دعا را بهترين وسيله مناجات با خداوند عدالت گستر مى داند.3

بـسـيـارى از دعاهاى انبيا(ص) در قرآن مجيد آمده است.4 ائمه(ع) نـيز ده ها حديث درباره دعا و اهميت آن و شرايط و آثار و عوامل عـدم اجـابـت دعـا بيان فرمودند كه در كتاب هاى روايى موجود مى بـاشـد. مضاف بر اين كه دعاهاى خاص و زيارت هاى فراوانى را ذكر كـردند و سفارش زياد برخواندن داشتند و تاكيد فرمودند تا آن را در زمان هاى تعيين شده با حالت و شرايط خاصى بخوانند, كه صحيفه سـجـاديه و مفاتيح الجنان انواع گوناگونى از اين دعاها و زيارت نامه ها را در خود دارد.

حـضـرت رسـول(ص) در اهـمـيـت دعـا فـرمـود: (الدعاء سلاح المومن وعـمودالدين و نورالسموات والارض5; دعا اسلحه مومن و ستون دين و روشنى آسمان ها و زمين است).

حـضـرت عـلـى(ع) نـيز در اين زمينه فرمود: (احب الاعمال عندالله تـعـالـى عـلـى وجـه الارض الدعا6; محبوب ترين كارها نزد خداوند تـعـالـى در روى زمين, دعا است). (الدعاء مخ العباده7; دعا مغز عبادت است). (الدعاء هو العباده8; دعا عبادت است).

عالمان اخلاق و عرفان نيز كتاب ها و مقاله هاى فراوانى در موضوع دعـا و نـيـايـش نـگاشته و مطالب فراوانى را بيان داشته اند كه سـنـدى گـويا بر اهميت دعا در اديان آسمانى به خصوص دين اسلام و مـذهـب تـشيع به شمار مى رود. امام خمينى(ره) درباره اهميت دعا مـعـتـقـد اسـت كه دعا در تربيت جامعه نقش مهمى دارد. ايشان مى فـرمايد: (تربيت جامعه به همين چيزها است, به همين ادعيه و اين هـا اسـت كـه از پـيـغـمـبر وارد شده است. چنين تعبيرى: >قل ما يـعبوبكم ربى لولا دعاوكم< اگر قرآن هم مى خواهيد قرآن دارد, از دعـا تـعـريف مى كند, مردم را وادار به دعا مى كند كه اعتنا به شما نداشتم اگر دعا نمى كرديد).9

دانـشـمندان غربى معتقدند دعا و نيايش, نگرانى ها و هيجان ها و تـرس هايى را كه موجب بيم بيش ترى از ناخوشى هاى انسان است, از بـين مى برد. با توجه به نقش دعا در روان پزشكى و اثرات درمانى آن, دانـشـمـندان غربى براى دعا اهميت زيادى قائل هستند الكسيس كـارل, دانـشمند فرانسوى در خصوص اهميت دعا مى گويد: (دعا عالى ترين حالت مذهبى در انسان است و حقيقت آن پرواز روح بشر است به سـوى خـدا.)10 وى در جـاى ديـگر مى گويد: (دعا و نماز قوى ترين نـيـرويـى است كه انسان مى تواند توليد كند, نيرويى است كه چون قوه جاذبه به زمين وجود حقيقى و خارجى داد.)11

ويـليام جيمز نيز مى گويد: (در اثر دعا و نماز چيزهايى محقق مى شـود كـه خارج از اثر دعا, تحقق آن امكان ندارد. در اثر دعا يك نـيـرويى ايجاد مى شود خواه ذهنى فرض شود خواه خارج از ذهن, كه در عالم واقعيات و محسوسات آثارش ديده مى شود.12

شرايط استجابت دعا

هـرگـاه بـحـث از دعا پيش مى آيد, معمولا اولين سوالى كه به ذهن آدمـى خـطور مى كند اين است كه چرا بسيارى از دعاها مستجاب نمى شود؟ شايد بعضى بگويند ما در مواردى به مشكل برخورد كرديم و به دعـا متوسل شديم ولى متاسفانه با آن همه نيايش و تضرع, دعاى ما به اجابت نرسيد, راستى چرا؟

اسـاسا پديدار شدن هر چيزى نيازمند يك سرى عوامل و شرايطى است, دعـا نـيز اين چنين است; يعنى براى به اجابت رسيدن آن مى بايست شـرايـطـى را فراهم كرد. اين شرايط به وسيله خود انسان به وجود مـى آيد; به ديگر عبارت, خود انسان عامل اصلى به اجابت رسيدن و يـا نـرسيدن دعا است. بنابراين بسيار مختصر به اين شرايط اشاره مى كنيم:

1. شناخت خدا

بين اجابت و شناخت, رابطه مستقيمى وجود دارد. انسان ابتدا بايد بـدانـد از چـه كـسـى درخواست دارد, و حقيقت او را به شناخت حق الـيـقـيـنى بشناسد به طورى كه هيچ چيز جز او نبيند. آن گاه كه انـسـان مـولاى خـود را در مـقام عليم, غنى, جواد, قادر, متعال, حـكـيـم, صمد و... دانست و از سويى خودش را جاهل, فقير, عاجز و مـحـتـاج يافت, درخواست و دعا مى كند و در اين هنگام دعا اجابت مـى شـود, زيرا بذر اجابت, با معرفت او پاشيده شده است و اجابت از آثار مترتبه معرفت مى باشد. حضرت رسول(ص) در مقام بيان نسبت بـيـن مـعـرفـت و اجـابت چنين فرمود: (لو عرفتم الله حق معرفته لـزالـت لـدعـائـكـم الـجبال13; اگر شما آن طورى كه بايسته است خـداونـد را بشناسيد, هرآينه به سبب دعاهايتان, كوه ها از زمين كنده مى شد).

عـده اى به امام صادق(ع) گفتند: ما دعا مى كنيم ولى مستجاب نمى شود. امام صادق(ع) فرمود: (لانكم تدعون من لاتعرفونه14; زيرا شما شناخت كاملى از كسى كه او را مى خوانيد, نداريد).

دعـاكننده بايد ايمان به مرحمت و فضل خداوند داشته باشد و باور كـند كه در لطف و مرحمت و فضل او به روى بندگانش هميشه باز است و از نـاحـيه خدا هيچ منعى وجود ندارد. اگر دعاى او مستجاب نمى شود مشكل كار خود او است.

به عزم مرحله عشق پيش نه قدمى

كه سودها كنى از اين سفر توانى كرد

جمال يار ندارد نقاب و پرده ولى

غبار ره بنشان تا نظر توانى كرد

2. حضور قلب

دعـاكـنـنـده مى بايست حضور قلب داشته باشد; يعنى خواستن و طلب كـردن در وجـود او پيدا شود و تمامى وجود او مظهر خواستن و طلب گـردد. حـضـرت رسول(ص) فرمود: (بدانيد دعايى را كه از قلب غافل برخيزد, خداوند آن را قبول نمى فرمايد).15

هركه جويا شد بيابد عاقبت

مايه اش درد است و اصل مرحمت

هر كجا دردى دوا آن جا رود

هر كجا فقرى نوا آن جا رود

بـراى استجابت دعا بايد دعاى واقعى كرد; يعنى به گونه اى كه دل انسان با زبان او كاملا هم آوا باشد.

3. عمل صالح

اگـر انسان داراى عمل صالح باشد و از بندگان صالح خداوند محسوب شـود, دعاى او مورد قبول خداوند قرار خواهد گرفت و الا دعا كردن تـيـر در تـاريكى انداختن است, زيرا عمل و دعا هر كدام مكمل يك ديگرند و اساسا دعاى بدون عمل اثر ندارد.

حضرت على(ع) در اين باره مى فرمايد: (الداعى بلا عمل كالرامى بلا وتـر16; كـسـى كـه بدون عمل دعا مى كند, مانند كسى است كه بدون كـمـان تـيـراندازى مى كند). چنين كسى تير او به هدف نمى خورد, زيرا تير او در چند قدمى تيرانداز به زمين مى افتد.

4. پاك بودن خوراك

مال حرام خوردن آثار وضعى بسيار منفى دارد, كه از جمله آن قبول نـشـدن دعـا اسـت. از اين رو حضرت رسول(ص) مى فرمايد: هركسى كه دوسـت دارد دعايش مستجاب شود, مى بايستى خوراك و كسب حلال داشته باشد: (من احب ان يستجاب دعاه فليطيب مطعمه ومكستبه).17

امام صادق(ع) مى فرمايد: (ان الله لايرفع اليه دعا عبد وفى بطنه حـرام18; خـداونـد بالا نمى برد دعاى بنده اى را كه در شكمش مال حرام باشد).

5. ممكن و مشروع بودن خواسته

از جـمله شرايط استجابت دعا, مشروع, معقول و ممكن بودن درخواست مـى بـاشد, زيرا هدف از دعا رشد و تكامل انسان به سوى خدا است. بـنـابـرايـن اگـر درخـواسـتى مشروع و يا معقول نباشد و تقاضاى نـامـمـكـنـى باشد, به اجابت نخواهد رسيد. لذا دعا نبايد برخلاف نـظـام تـكوين و يا تشريع باشد تا به اجابت برسد; مثلا دعا براى عـمـر جـاويـدان, خواسته اى خلاف تكوين است, زيرا خداوند فرمود:

(كـل نـفـس ذائـقه الموت19; همه كس مرگ را مى چشد). خدا مرگ را بـراى انـسـان هـا قـرار داد و درخـواست عمر جاويدان, خلاف نظام تكوين است; لذا اجابت نمى شود.

يـكـى از مـعـصومان(ع) در اين خصوص مى فرمايد: (يا صاحب الدعاء لاتـسال مالايكون ولايحل20; اى كسى كه دعا مى كنى چيزى را كه ممكن نـيـست و يا حلال نمى باشد, از خداوند نخواه). پس خواسته انسانى نـبـايد خلاف عالم تكوين و تشريع به معناى وسيع آن باشد, چون در ايـن صـورت بـا فـلـسفه دعا كه تقرب به خدا و اجابت خواسته هاى تكاملى انسان است, منافات پيدا مى كند.

چـيـزى كه بايد به آن توجه ويژه داشته باشيم اين است كه مجموعه عـوامـلـى در اجـابت نشدن دعاها تاثير دارد, كه گناه يكى از آن عـوامـل بـه شـمـار مـى رود. بـنابراين اگر دعاى فردى به اجابت نـرسـيـده است, بايد ريشه يابى كند و به خود و شرايط دعاى مورد نـظـرش تـوجـه كـنـد و در صدد رفع مشكل برآيد و در راستاى تحقق شرايط اقدام نمايد.

لذت نيايش

دنياى نيايش, دنياى لذت و عشق واقعى است و هر كسى نمى تواند به آن راه يـابـد, از خـود بـى خود شدن را مى طلبد. شهيد مطهرى در ايـن خـصـوص مـى نـويسد: (آن ها كه لذت دعا و انقطاع از خلق به خـالـق را چـشيده اند, هيچ لذتى را بر اين لذت مقدم نمى دارند. دعـا آن وقت به اوج عزت و عظمت و لذت مى رسد و صاحب خود را غرق در سـعـادت مـى كـند كه دعاكننده, لطف خاص الهى را خود ببيند و آثار استجابت دعاى خود را مشاهده كند).21

لـذت نيايش قابل توصيف نيست بلكه خود انسان بايد اين لذت را با وارد شـدن بـه آن عـالـم بچشد; مثلا چه كسى مى تواند نيايش حضرت رسـول(ص) و عـلى بن ابى طالب(ع) و فاطمه زهرا(ع) را در دل شب و يـا دعاهاى حسين بن على(ع) و فرزندان و ياران آن بزرگوار را در شب عاشورا در سرزمين كربلا توصيف كند.

مردان خدا پرده پندار دريدند يعنى همه جا غير خدا هيچ نديدند هر دست كه دادند از آن دست گرفتند هر نكته كه گفتند همان نكته شنيدند

حـال بـا عنايت به نقش سالم سازى دعا در انسان و جامعه و ضرورت تـرويـج و تـبليغ آن در بين مردم خصوصا جوانان, نقش هريك از ما بـسـيار سنگين خواهد بود. علاقه مندان براى پژوهش در مقطع ديپلم و بالاتر مى توانند با استفاده از منابع زير و با انتخاب يكى از مـوضوعات ارائه شده پيرامون موضوع مورد علاقه مقاله خود را تهيه و به آدرس دفتر مجله ارسال نمايند.

موضوعات بحث:

1ـ تاثير دعا در زندگى انسان.

2ـ عوامل عدم استجابت دعا.

3ـ ويژگى هاى دعاى ائمه(ع).

4ـ عوامل استجابت دعا.

منابع:

1ـ قرآن مجيد.

2ـ نهج البلاغه. 3ـ كـتـاب هـاى روايـى ـ اصـول كافى, وسائل الشيعه, بحارالانوار و....

4ـ كتاب هاى تفسير قرآن: الميزان, نمونه و....

5 ـ كتاب هاى شهيد مطهرى: گفتارهاى معنوى, بيست گفتار و....

6 ـ گـفـتار فلسفى: اخلاق, ج1, شرح و تفسير دعاى مكارم الاخلاق سه جلد.

7ـ جهاد با نفس, آيه الله مظاهرى.

8 ـ قرآن صاعد, غلامرضا برازش.

9ـ ديگر منابع.

پى نوشت ها:

1ـ تفسير سوره حمد, ص96.

2ـ استاد مطهرى, بيست گفتار, ص286 و287.

3ـ صحيفه نور, ج1, ص219.

4ـ بـراى اطلاع بيش تر به سوره هاى اعراف, آيه ;23 نوح, آيه ;28 ابراهيم, آيه;1 طه, آيه 25, 34 و اسراء, آيه 8 مراجعه كنيد.

5 ـ بحارالانوار, ج90, ص297.

6 ـ همان, ص300.

7ـ همان.

8 ـ اصول كافى, ج2, ص468.

9ـ تفسير سوره حمد, ص45.

10ـ الكسيس كارل, نيايش, ترجمه على شريعتى, ص2.

11ـ ديل كارنگى, آيين زندگى, ترجمه جهانگير افخمى, ص185.

12ـ ويليام جيمز, دين و روان, ترجمه مهدى قائنى, ص156 و157.

13ـ بحارالانوار, همان, ص381.

14ـ بحارالانوار, ج93, ص368.

15ـ همان, ج74, ص57.

16ـ همان, ج75, ص60.

17ـ همان, ج90, ص373.

18ـ همان, ص321.

19ـ آل عمران(3) آيه 185.

20ـ بحارالانوار, همان, ص374.

21ـ بيست گفتار, همان, ص268.